

۱۸ تیرماه سالگرد پیکار قهرمانانه جنبش دانشجویی بر ضد استبداد ولایت فقیهی!



Aut News

ادامه در صفحه ۳



منتشر شد!

کتاب "نوشته‌های فلسفی و اجتماعی"، اثر ارزنده رفیق احسان طبری در دو جلد منتشر شد. این کتاب مجموعه یادداشت‌ها و نوشته‌های فلسفی رفیق طبری است که در طی یک دهه نگاشته شده است. ما مطالعه این اثر ارزنده را به همه پژوهشگران و مبارزان راه آزادی میهن توصیه می‌کنیم.

ما انحلال انجمن صنفی روزنامه نگاران را محکوم می‌کنیم!

به دنبال توقیف پرسش برانگیز روزنامه "تهران امروز" که از آن به عنوان ارگان غیر رسمی قالیباف، شهردار تهران، نام برده می‌شد، وزارت کار و امور اجتماعی دولت احمدی نژاد، در راستای سیاست هدفمند ارتجاع حاکم که مسدود ساختن هر چه بیشتر فضای سیاسی کشور در

ادامه در صفحه ۳

در این شماره:

- اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره
- درگذشت رفیق فام نریمان در ص ۳
- درود پر شور به کارگران اعتصابی
- کارخانه ایران خودرو در ص ۴
- سوسیالیسم دمکراتیک، پیشینه و ماهیت آن
- در ص ۶
- "پرچم ما سرخ خواهد ماند" - دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا
- در ص ۱۲

همراه شو عزیز
تنها نمان به درد
کین درد مشترک،
هرگز جدا جدا درمان نمی شود
دشوار زندگی، هرگز برای ما
بی رزم مشترک آسان نمی شود!

۱۸ تیرماه امسال مصادف با نهمین سالگرد یورش خونین و گسترده گماشتگان و انصار ولی فقیه و گزمگان تاریک اندیشی به دانشگاه‌های کشور و سرکوب



شماره ۷۹۴، دوره هشتم
سال بیست و سوم ۱۵ تیر ماه ۱۳۸۷

با هم به سوی تلاش گسترده و متحد برای صلح و آزادی و بر ضد توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع

ضد جنگ (از جمله تلاش‌های ارزنده "مادران صلح" و "جنبش ضد جنگ") بر ضد خطر ماجراجویی‌های نظامی و برای صلح، بی شک گام مهمی در حرکت به سمت سامان دهی یک جنبش صلح سراسری، دموکراتیک و مترقی است که بتواند در شرایط دشوار کنونی تأثیر خود را بر روند حوادث تند و خطرناک ایران و منطقه بر جای گذارد. نیروهای مترقی و صلح دوست جهان در هفته‌های اخیر، با نگرانی عمیق، اخبار گوناگونی را پیرامون تدارک

"ما موسسین شورای ملی صلح برای تحقیق صلح پایدار و برای غلبه بر فضای جنگ، تنش و تحریم تلاش مستمری را آغاز می‌کنیم، چراکه توسعه، آزادی و رفاه ملت ایران در گرو ثبات و آرامش کشور، منطقه و حرکت به سوی صلح جهانی است. ما در این راه به همه افراد و جریان‌های صلح طلب دست یاری می‌دهیم تا با یکدیگر صلح و حقوق بشر را محقق سازیم"

بر اساس گزارش‌های رسیده نخستین نشست موسسان «شورای ملی صلح»، روز پنجشنبه سیزدهم تیرماه ۱۳۸۷، با حضور ده‌ها تن از فعالان اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با تأکید بر مخالفت با جنگ و تحریم برگزار شد. برگزاری این نشست در پی نزدیک به یک سال تلاش نیروهای مختلف در داخل و خارج از کشور، تشکیل محافل و گروه‌های



ادامه در صفحه ۹

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه!»

بهداشت و خدمات درمانی در دسترس توده های محروم نیست

برنامه خصوصی سازی در هفته های اخیر به محور بحث جناح های گوناگون حکومتی بدل شده و طرح ها و راهکارهای مختلفی برای شتاب بخشیدن به آن مطرح می گردد. خصوصی سازی خدمات درمانی و بهداشت و امور پزشکی در این بحث ها جای ویژه ای را به خود اختصاص داده است.

در سال گذشته مجلس هنگام تصویب قانون ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی، خصوصی سازی در حوزه سلامت و خدمات بهداشتی و درمانی را مورد تاکید قرار داد. براساس قانون مصوب مجلس در مواردی که خصوصی سازی بر مبنای اصل ۴۴ اجرا می شود، دیگر دولت حق سرمایه گذاری ندارد و بخش بهداشت و درمان نیز شامل این قانون شده و دولت دیگر حق تاسیس و توسعه بیمارستان یا مرکز خدمات درمانی جدید ندارد.

این مصوبه مجلس اینک با پافشاری شورای نگهبان بر برنامه خصوصی سازی کامل امور پزشکی به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شده است. خبرگزاری "فارس"، ۱ تیرماه، مصاحبه معاون پارلمانی وزارت بهداشت را در ارتباط با برنامه خصوصی سازی امور پزشکی انتشار داد که طی آن مقام مسئول فوق خاطر نشان می سازد: "خصوصی سازی خدمات سلامت در مجمع تشخیص مصلحت مورد بحث قرار دارد، براساس ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی که سال گذشته جزییات آن به تصویب مجلس رسید، باید خدمات دولتی در بخش های مختلف از جمله حوزه سلامت به بخش خصوصی واگذار شود."

وی سپس ادامه داد: "البته وزارت بهداشت و دولت از ورود بخش خصوصی در ارایه خدمات بهداشتی و درمانی استقبال می کنند و هم اکنون نیز بیش از ۷۵ درصد خدمات درمان سرپایی توسط بخش خصوصی ارایه می شود."

علاوه بر این مدت هاست که نهادها و ارگان های مختلف حکومتی از کمبود بودجه در بخش بهداشت و درمان سخن می گویند و به زعم خود راهکارهایی را ارایه می کنند. در این مورد یکی از نمایندگان مجلس در توضیح عملکرد کمیسیون بهداشت مجلس هفتم اظهار داشت: "کمیسیون بهداشت مجلس هفتم سعی می کرد براساس احکام برنامه چهارم توسعه حرکت کند، اما نتوانست در کاستن هزینه های درمانی که از جیب مردم پرداخت می شود، موفق باشد. گسترش تکنولوژی ها و گران شدن خدمات درمان و کمبود اعتبارات عرصه بهداشت و درمان را تحت تاثیر قرارداد و موجب نارضایتی فراوان بود."

در سند چشم انداز ۲۰ ساله و برنامه های توسعه جمهوری اسلامی، مسئله بهداشت و خدمات درمانی بعنوان یکی از عرصه هایی که می باید به بخش خصوصی واگذار شده و طی آن در هزینه های دولت صرفه جویی صورت گیرد، در نظر گرفته شده است و به همین دلیل شاهد کاهش خدمات بهداشتی و درمانی در مقابل افزایش سرسام آور هزینه های این امور هستیم. خبرگزاری "مهر"، ۱۲ خرداد ماه، از قول عضو سابق کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نوشت: "به نظر می رسد مشکلات حوزه سلامت ربطی به کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نداشته و بحثی کلی است که مربوط به نوع نگاه مسئولان به اقتصاد درمان می شود. واقعی نشدن سرانه درمان، نبود بودجه و اعتبارات لازم لطمه های زیادی به سلامت مردم وارد می سازد. بدون توجه به شرایط حاکم بر جامعه و روند افزایش تورم، نمی توان بودجه برای بخش خدمات بهداشت و درمان تنظیم کرد."

آنچه به عنوان سرانه درمان عنوان می گردد، مبلغ و بودجه ای است که برای هر فرد در زمینه درمان و بهداشت در نظر می گیرند. بنا به آمار رسمی، از جمله آمار ارایه شده از سوی کمیسیون بهداشت مجلس هفتم، این سرانه در ایران حدود ۵ درصد تخمین زده می شود که با توجه به نرخ تورم

و افزایش هزینه های زندگی نشانگر وضعیتی نامطلوب و نگران کننده است. براساس قانون بودجه مصوب مجلس هفتم، سرانه درمان کشور در سال کنونی برابر ۵۳۰۰ تومان تعیین شده است، این مبلغ به هیچ رو کفاف خدمات درمانی را نمی دهد و با انتقاد و اعتراض شدید کارشناسان و سازمان نظام پزشکی روبه رو گردیده است.

به طور مثال، سازمان نظام پزشکی پیش از مصوبه مجلس، دریک برآورد اعلام کرده بود که حداقل سرانه درمان در سال کنونی باید ۹۸۰۰ تومان باشد. خبرگزاری "ایستا"، در اوایل فروردین ماه، در گزارشی ضمن نامطلوب نامیدن وضعیت بهداشت و خدمات درمانی در کشور یاد آوری می کرد که، در حال حاضر عشایر از کمترین سرانه درمان و پس از آن به ترتیب روستاییان و کارگران و کارمندان عادی ادارات و دوابر دولتی و خصوصی و افراد زیر پوشش سازمان های مدد کاری کمترین سهم را از سرانه درمان کشور دارند، اما در سطوح بالاتر و مدیریتی و برخی مسئولان از مزایایی چون بیمه های مکمل بهره مند هستند.

خبرگزاری "فارس"، ۱ تیرماه، نیز در گزارشی اعتراف می کند بیمه کارگران و دفترچه های خدمات درمانی خانواده های کارگری فاقد ارزش شده و بسیاری از این خانواده ها در مراجعه به پزشک و بیمارستان ها مجبور به پرداخت هزینه های سنگین هستند که از عهده آنان با توجه به درآمدشان ساخته نیست، وضع در روستاها به مراتب وخیم تر از شهرها است. مطابق آمار رسمی در سراسر ایران فقط ۱۷ هزار خانه بهداشت برای روستاییان دایر است که این تعداد فقط می تواند در حدود ۷۰ تا ۷۵ هزار نفر را پوشش دهد!

وضعیت چنان فاجعه بار است که کامران باقری لنکرانی، وزیر بهداشت دولت احمدی نژاد، در نشست با مسئولان دانشکده علوم پزشکی تهران در اول تیرماه رسماً اعلام می دارد: "قبول دارم که کمبود بودجه داریم و از این نظر هیچ دفاعی ندارم...."

مسئله کمبود اعتبارات حتی در کشوری مانند آمریکا نیز که ۱۶/۷ درصد درآمد ناخالص ملی آن صرف سلامت می شود نیز وجود دارد. البته معلوم نیست وزیر بهداشت دولت عدالت محور چرا و با چه انگیزه ای برای دفاع از عملکرد رژیم، آمریکا و سیستم ناعادلانه و طبقاتی بهداشت و درمان و بیمه آن را مثال و نمونه می آورد!!! شاید این تشبیه از جنبه طبقاتی و ناعادلانه بودن خدمات درمانی قابل تامل باشد.

چندی پیش گزارشی در خصوص افزایش ۳/۵ تا ۴ درصدی تعرفه های پزشکی و خدمات بیمارستانی طی دوره اخیر یعنی دوره فعالیت دولت ضد مردمی احمدی نژاد و افزایش جهشی تعرفه ها در سال کنونی انتشار یافت. در اعتراض به این افزایش ها و تاثیرات اجتماعی ناگوار آن، معاون رییس انجمن پزشکان عمومی ایران در مصاحبه ای خاطر نشان کرد: "افزایش ۱۵ درصدی تعرفه های پزشکی بخش خصوصی و سرانه درمان ۵۳۰۰ تومان برای هر ایرانی موجب می شود بسیاری از مردم در سال جاری به زیر خط فقر بروند. بحران جدی اقتصادی در بخش درمانی کشور وجود دارد، حداقل ۳ میلیون نفر در کشور امسال به خاطر پرداخت هزینه های درمانی به زیر خط فقر سقوط خواهند کرد و ۷۳ درصد ایرانی ها هزینه های درمانی را باید از جیب خودشان بپردازند."

مقایسه میان هزینه های پیوسته رو به گسترش و سطح نازل دستمزد کارگران، کارمندان و مجموعه مزدبگیران کشور با نرخ واقعی تورم ثابت می کند اکثریت جامعه از پرداخت هزینه های بهداشت و درمان ناتوان بوده و قادر به تامین سلامت خود و خانواده هایشان نیستند. حال با چنین وضعیتی خصوصی سازی امور پزشکی و درمانی چه تاثیراتی در جامعه باقی خواهد گذاشت!؟

خصوصی سازی بهداشت و خدمات درمانی خطری جدی، تهدیدی واقعی و اقدامی فاجعه بار برای سلامت میلیون ها ایرانی به ویژه توده های محروم جامعه است. بخشی از برنامه جراحی بزرگ اقتصادی و اصلاح ساختارها مربوط به همین موضوع یعنی خصوصی سازی خدمات درمانی بوده و باید قاطعانه و سازمان یافته با آن مبارزه کرد!

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره درگذشت رفیق فام نریمان

رفیق حمید فام نریمان به دنبال بیماری سختی در تاریخ ۱۲ تیر ماه ۱۳۸۷ چشم از جهان فرو بست!

رفیق حمید فام نریمان به سال ۱۳۰۷ در یک خانواده زحمتکش در مراغه متولد شد، و در دوازده سالگی پدر خود را از دست داد و با تحمل دشواری‌ها توانست تحصیل در دوره ابتدایی را همراه با کار شبانه به پایان رساند.

پس از پایان دوره ابتدایی، در مغازه کفاشی مشغول کار شد. در سال ۱۳۲۴ به عضویت شورای متحده اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران در آمد. پس از سرکوب خونین حکومت خودمختار آذربایجان، با کمک رفقای سابقه دار حزبی به یکی از هسته‌های حزبی جذب شد. در این برهه زمانی رفیق نریمان در کارخانه تخته بری مشغول به کار شد. در اواخر سال ۱۳۳۱ مسئولیت امور دهقانی در شهر ارومیه را برعهده گرفت. در سال ۱۳۳۳ دستگیر و به یک سال زندان محکوم شد. پس از آزادی از زندان به اشنویه کردستان رفت و در کارخانه دخانیات به کار مشغول شد. به علت افشاء کردن دزدی‌های رئیس وقت کارخانه دخانیات کار خود را از دست داد و اجباراً به ارومیه برگشت. در سال ۱۳۳۸ دوباره دستگیر و به پانزده سال زندان محکوم شد. وی سه سال از دوران زندان را در مشهد و شش سال را در زندان برازجان (تبعید گاه زندانیان سیاسی) در شرایط دشواری سپری کرد. در این زندان با تمام سختی‌ها و مشقات آن، با کمک و یاری سایر رفقای توده‌ای که از قدیمی‌ترین زندانیان سیاسی بودند که بعداً به دستور خمینی به جوخه‌های اعدام سپرده شدند، توانست دوره دبیرستان و رشته مهندسی تانسیتی را از طریق مکاتبه‌ای به پایان برساند. رفیق در سال ۱۳۵۳ از زندان آزاد شد و به فعالیت سیاسی خود ادامه داد و در انقلاب شکوهمند بهمن فعالانه شرکت کرد. پس از پیروزی انقلاب در صفوف حزب توده ایران به مبارزه خود ادامه داد. با هجوم ددمنشانه مزدوران رژیم ولایت فقیه به حزب توده ایران، رفیق حمید فام نریمان نیز به مهاجرت اجباری روی آورد و برای مدتی در مسئولیت‌های حزبی به انجام وظایف محوله از طرف حزب مشغول بود.

ما در گذشت رفیق را به خانواده، دوستان و رفقای حزبی تسلیت می‌گوئیم.

دبیرخانه حزب توده ایران
۱۳ تیرماه ۱۳۸۷

ادامه ما انحلال انجمن صنفی ...

استقبال از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری است، انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران را "واجد انحلال" معرفی ساخت.

این اطلاعیه وزارت کار بلافاصله از سوی ارگان‌ها و رسانه‌های وابسته به طیف ارتجاع حاکم به انحلال رسمی این تشکل صنفی تعبیر شد. انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران از جمله دو سندیکای مورد تایید سازمان جهانی کار است که فعالیت خود را حدود ۱۱ سال پیش آغاز کرد و در سال‌های اخیر کوشیده بود که از حقوق و منافع صنفی روزنامه نگاران کشور در چارچوب قوانین موجود حمایت کند. این تشکل صنفی همواره در مقابل توقیف مطبوعات و واکنش نشان داده و به همین علت از سوی مسئولان و ارگان‌های رژیم ولایت فقیه تحت فشار قرار داشت. با انتشار خبر واجد "انحلال بودن" انجمن صنفی روزنامه نگاران، بسیاری از اعضای آن تاکید می‌کنند، اعمال فشارهای اخیر کاملاً ماهیت سیاسی دارد.

اعمال فشارهای فزاینده به تشکل‌های صنفی، نهادهای مردمی و جز اینها، بخشی از سیاست برنامه ریزی شده مرتجعان حاکم در اوضاع حساس کنونی است. با توجه به تحولات بغرنج و پر اهمیت صحنه سیاسی کشور، و درآستانه انتخابات ریاست جمهوری که سال آینده برگزار خواهد شد، این سیاست واپس‌گرایان حاکم تشدید شده و در آینده شاهد اقداماتی هدفمند از جمله فشار، تهدید و سرکوب خواهیم بود.

ادامه سالگرد ۱۸ تیر ماه ...



شدید و خونین حرکت‌های آزادی خواهانه دانشجویان بر ضد انحصار طلبی حاکمان و استبداد بود.

حرکتی که با اعتراض به بسته شدن روزنامه "سلام" آغاز شد به سرکوب همه جانبه و تهاجم وسیع نیروهای انتظامی رژیم به دانشگاه‌های کشور انجامید و شمار زیادی کشته و زخمی بر جای گذاشت. با وجود

سرکوب خونین ۱۸ تیرماه و فریاد‌های "منکوب کنید" ولی فقیه رژیم، جنبش دانشجویی کشور به مبارزه تحسین برانگیز خود در راه آزادی و تحقق حقوق دموکراتیک مردم ما ادامه داد و همچنان ادامه می‌دهد. این پایداری در مبارزه، با وجود همه تلاش‌های سرکوب‌گرانه دستگاه‌های انتظامی و بسیجیان و مزدوران رژیم که دانشگاه‌های کشور را به اشغال خود درآورده‌اند، نگرانی و خشم سران حکومتی را برانگیخته و ما در هفته‌های اخیر شاهد تشدید فشارها و دستگیری‌های گسترده فعالان جنبش دانشجویی بوده‌ایم. حرکت‌های اعتراضی اخیر از دانشگاه زنجان تا مشهد و دیگر شهرهای کشور نشانگر این حقیقت است که جنبش دانشجویی کشور با اتکاء به سنن تاریخی و درخشان خود، با وجود همه دشواری‌ها و تشدید سنگین جو خفقان و سرکوب به مبارزات خود ادامه می‌دهد. امروز ما در شرایطی به استقبال این سالگرد جنبش دانشجویی می‌رویم که رژیم استبدادی تلاش‌ها و برنامه‌های خود را برای درهم کوبیدن مقاومت جنبش دانشجویی دو چندان کرده است. دستگیری‌های وسیع فعالان جنبش دانشجویی نشانه‌های نگران‌کننده‌ی از تدارکات گسترده رژیم بر ضد جنبش دانشجویی است. تجربه ۱۸ تیرماه و دیگر مبارزات تاریخی جنبش دانشجویی کشور گواه این واقعیت است که جنبش دانشجویی تنها با حفظ انسجام صفوف خود و حمایت موثر دیگر گردان‌های اجتماعی، خصوصاً جنبش کارگری و زنان و همچنین حمایت موثر و گسترده نیروهای آزادی‌خواه کشور می‌تواند بر توطئه‌های ارتجاع غلبه کند. سازمان دهی این جنبش همبستگی هم در داخل و هم در خارج از کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نباید اجازه داد ارتجاع و گزمنگان تاریک اندیشی و استبداد به سیاست‌های سرکوبگرانه و مخرب کنونی بر ضد دانشگاه‌های کشور و جنبش دانشجویی ادامه دهند. با مبارزه و تلاش مشترک و صفوف متحد می‌توان ارتجاع حاکم را به عقب نشینی وادار کرد.

دست در دست هم برای آزادی فوری و بدون قید و شرط تمام دانشجویان اسیر و همه زندانیان سیاسی ایران و برای تشدید و گسترش مبارزه متحد توده‌ها بر ضد دیکتاتوری حاکم!

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!



درد پر شور به کارگران اعتصابی ایران خودرو

صدها تن از کارگران قهرمان واحد بزرگ خودروسازی "ایران خودرو" از روز شنبه ۱۰ تیرماه در اعتراض به خصوصی سازی این مجتمع و نیز با خواست لغو قراردادهای موقت، لغو اضافه کاری اجباری و پرداخت به موقع دستمزدها و افزایش آن متناسب با نرخ واقعی تورم، دست به اعتصاب زده و بسیاری از خطوط تولیدی این کارخانجات را به حالت تعطیل در آوردند.

این اقدام هوشیارانه که در آن اغلب کارگران شیفت های مختلف کاری حضور دارند، در اوضاعی که رژیم ولایت فقیه با تاکید بر ابلاغیه اصل ۴۴ چوب حراج بر صنایع بزرگ و کلیدی کشور زده است و با اجرای آن زندگی و امنیت شغلی زحمتکشان بیش از پیش پامال شده و نابود می گردد، فوق العاده با اهمیت تلقی می شود. از آغاز این اعتصاب تاکنون، مدیریت "ایران خودرو" و به ویژه مزدوران حراست کوشیده اند به انحاء مختلف کارگران را تحت فشار قرارداده تا اعتصاب پایان بگیرد، از جمله حراست در حرکتی حساب شده برای ترساندن کارگران و زمینه سازی سرکوب این حرکت مسالمت آمیز و به حق، اعلام داشته است، اعتصاب ایران خودرو اقدامی در راستای "اهداف پلیدی گروهک ها" است.

کارگران اعتصابی ضمن درخواست دستمزد متناسب با نرخ واقعی تورم، لغو اضافه کاری اجباری، لغو قراردادهای موقت و دیگر خواست های به حق صنفی، بر لزوم آزادی تشکل های مستقل صنفی (سندیکاهای) و عدم ورود حراست به سالن ها و مراکز دیگر این واحد بزرگ صنعتی تاکید می کنند.

مبارزه دلیرانه کارگران "ایران خودرو"، نشانگر عزم طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما برای تامین منافع و حقوق صنفی و سیاسی آنها است. این مبارزه ای است که با تهدید و تطمیع نمی توان آن را خاموش و بی اثر ساخت. پشتیبانی از کارگران اعتصابی "ایران خودرو" و تلاش در راه جلب همبستگی دیگر کارگران با مبارزات آنها، در لحظه کنونی از اهمیت اساسی برخوردار است.

درد پر شور به کارگران "ایران خودرو" و طبقه کارگر آگاه و مبارز ایران

خروج سرمایه از ایران

خروج سرمایه از کشور طی ماه های گذشته ابعاد و سرعت نگران کننده ای به خود گرفته است. میلیاردها دلار توسط سرمایه داران و بنیادهای انگلی از ایران به دیگر نقاط جهان به ویژه امارات متحده عربی انتقال می یابد.

بر اساس آخرین آمار منتشره از سوی موسسات مالی دویی، سرمایه های ایرانی در درده نخست انتقال به این منطقه قرار دارند، و پول ها و سرمایه های ایرانی پس از انگلستان، ژاپن، آمریکا و هند، پنجمین سرمایه گذار بزرگ تلقی می شوند. در گزارشی دیگر تصریح شده با آنکه دولت امارات متحده عربی با تمسک به تحریم های شورای امنیت ثبت شرکت های جدید ایرانی را ممنوع کرده و محدودیت هایی را برای تجار و سرمایه گذاران ایرانی اعمال می کند، اما باز هم "ایرانیان" در طول ۱۰ ماه گذشته (توجه کنید ۱۰ ماه) بیش از ۷۰۰ میلیارد تومان از سرمایه های خود را به دویی انتقال داده اند.

این ۷۰۰ میلیارد تومان، بدون محاسبه سرمایه در گردش شرکت ها و اشخاص قدیمی و مقدار پولی که از سوی بانک ها و صرافی های داخل کشور به حساب "ایرانیان" در دویی منتقل می شود، اعلام گردیده است.

این خروج سرمایه از کشور در اوضاعی صورت می گیرد که مسئولان رژیم ولایت فقیه مرتباً از کمبود نقدینگی و نبود اعتبارات لازم برای صنایع و کشاورزی سخن می گویند. بخش عمده این سرمایه خارج شده از ایران توسط اشخاص و نهادهایی صورت می گیرد که به صورت مستقیم و غیر مستقیم از حمایت دولت برخوردار بوده و با کمک نهادهای و ارگان های حکومتی به غارت ثروت ملی مشغول هستند. بسیاری از دلالان و نوکیسه ها با توجه به برنامه خصوصی سازی کارخانه ها و مراکز تولیدی را خریداری کرده و با تعطیلی آنها، سرمایه خود را به دویی منتقل می کنند. همچنین دلالان ارز، سکه و مسکن، زمین خواران، سفته بازان و بورس بازان در زمینه انتقال ثروت و سرمایه ایران به خارج به ویژه به دویی و اخیراً قطر سخت فعالند.

برنامه اصلاح ساختار اقتصادی و تامین امنیت سرمایه با محوریت خصوصی سازی، امکان عینی و "قانونی" این خروج سرمایه را که برای میهن ما فوق العاده زیانبار است، فراهم کرده است!

طرح ارتقای امنیت اجتماعی یا دستبرد به منابع مالی

رژیم ولایت فقیه به موازات شکست برنامه های اقتصادی-اجتماعی خود و تشدید نارضایتی در ابعادی گسترده، بر لزوم اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی تاکید می ورزد.

این طرح کاملاً واپس مانده، زیانبار و غیر انسانی که عمدتاً بر جوانان و زنان متمرکز است، تحت نام واهی دفاع از حریم "اخلاقی" جامعه و "تامین امنیت" ساکنان شهرهای بزرگ، این امکان را به نیروهای انتظامی و بسیج می دهد که زیر پوشش "قانون" به زشت ترین و خشن ترین شکل ممکن حریم خصوصی و شخصی افراد و خانواده ها و حقوق شناخته شده فردی و اجتماعی مردم را نقض کرده و با اعمال زور و فشار محیط اجتماعی شهرهای بزرگ کشور را ناامن کرده و فضای رعب و وحشت پدید آورند.

هدف اصلی ارتجاع حاکم از این طرح، وحشت پراکنی اجتماعی در مقابل رشد نارضایتی ها و در نتیجه گسترش مبارزه در صفوف جنبش مردمی است. علاوه بر این، چنین طرحی محل مناسبی برای دزدی و غارت امکانات مالی و دستبرد به ثروت و درآمدهای کشور است، که بخش بزرگی از فرماندهان سپاه و نیروی انتظامی سال هاست بدان اشتغال دارند. برای دایمی کردن این طرح قرار

ادامه نگاهی به رویدادهای ...

است علاوه بر تدوین لوائح قانونی، بودجه ای نیز در نظر گرفته شود. چندی پیش معاون حقوقی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی (ناجا) یادآور شد، با توجه به اهمیت اجرای این طرح، در سال جاری در راستای دایمی کردن طرح مذکور، بودجه ای بالغ بر ۱۰۳ میلیارد تومان به آن اختصاص خواهد یافت. تاکنون مجلس ارتجاع و دولت احمدی نژاد که وزارت کشور آن این طرح غیر انسانی را تدوین و تهیه کرده است از روشن ساختن اینکه ۱۰۳ میلیارد تومان بودجه فوق چگونه و از کدام منابع برداشت خواهد شد، امتناع کرده اند. اختصاص مبلغ کلانی علاوه بر بودجه سابق به نیروهای انتظامی و بسیج تحت عنوان طرح ارتقای امنیت اجتماعی، سیمای واقعی مدافعان "اخلاق" در جامعه را آشکار می سازد. مردم در تجربه روزانه خود درمی یابند چگونه مشتی عناصر فاسد در پوشش چنین طرحی ثروت کشور را به چنگ می آورند و در مقابل با اعمال زور و فشار جامعه را به قهقرا می کشانند!

به نام زنان سرپرست خانوار به کام تجار ودالان

چندی پیش مدیر کل امور اجتماعی و سهام وزارت کار و امور اجتماعی، طی گفتگویی با خبرگزاری "مهر"، ۲۶ خرداد ماه ۸۷، یاد آور شد: "با تلاش بسیار ۱۷ هزار زن کارگر سرپرست خانوار شناسایی و مشمول دریافت سهام عدالت شدند." در ادامه تاکید می شود: "از ابتدای طرح (اعطای سهام عدالت به زنان سرپرست خانوار) تاکنون این تعداد مورد شناسایی قرار گرفته که قرار است با تکمیل اطلاعات و آمار نسبت به معرفی این افراد به دبیر خانه سهام عدالت اقدام شود. متأسفانه در حال حاضر اطلاعات و آمار که بتوان توسط آن به تعداد واقعی زنان مشمول طرح دست یافت، وجود ندارد."

این سخنان نشان می دهد، تبلیغات پرسرو صدای اخیر وزارت کار دولت احمدی نژاد مبنی بر واگذاری سهام عدالت به زنان کارگر سرپرست خانوار کاملاً پوچ و بی اساس بوده است، زیرا مدیر کل امور اجتماعی و سهام این وزارتخانه صریحاً تاکید می کند که هنوز سهامی واگذار نشده و هنوز شناسایی کامل واجدین دریافت سهام به پایان نرسیده است!

به علاوه این مقام مسئول اعتراف کرده: "به هر حال ما به دنبال هماهنگی آمار و اطلاعات وزارت کار و سازمان های ذی ربط دیگر نظیر سازمان تامین اجتماعی هستیم و چون تا شناسایی و معرفی کامل زنان کارگر سرپرست خانوار انجام نشود کار واگذاری سهام عدالت به آنها آغاز نمی شود..."

نکته مهم در مسئله واگذاری سهام عدالت به زنان کارگر سرپرست خانوار عبارت است از این واقعیت که این زنان زحمتکش توان مالی خریداری سهم مذکور را ندارند، بنابر این بنیاد شهید، کمیته امداد خمینی و بنیاد غدیر اعلام داشته اند حاضرند "وام هایی" را با "بهره های کم" به این زنان بپردازند تا آنان قادر به خرید سهام باشند. این وام ها پیشاپیش به زنان محروم و زحمتکش پرداخت می شود مطابق با شروط آن سهام عدالت و یا بخش عمده آن به پرداخت کننده وام تعلق می گیرد! به این ترتیب اصل ماجرای شناسایی و واگذاری سهام عدالت به زنان سرپرست خانوار چیزی نیست به جز تصاحب بخشی از ثروت های کشور به نام سهام عدالت توسط سرمایه بزرگ تجاری!

میلیاردها تومان از این راه به نام زنان سرپرست خانوار و به کام تجار و دلالان بزرگ کشور که به نهادهای پر قدرت حاکمیت وابسته هستند، سرازیر می شود!

بنیادهای انگلی و خصوصی سازی شبکه های آبیاری

با تشکیل مجلس هشتم، تلاش برای اجرای سریع ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی به نحو چشم گیری شدت پیدا کرده است. یکی از عرصه های خصوصی سازی، مطابق اعلام رسمی روابط عمومی وزارت جهاد کشاورزی، واگذاری شبکه های آبیاری سراسر کشور به بخش خصوصی است.

خبرگزاری "مهر"، ۲ تیرماه ۸۷، در این باره گزارش داد: "معاون صنایع و امور زیر بنایی وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرد، شبکه های آبیاری به بخش خصوصی واگذار می شود. این واگذاری ها در راستای اجرای ابلاغیه

اصل ۴۴ و برای اصلاح نظام آبیاری کشور انجام می شود. کاهش تصدیری دولت، افزایش بهره وری و صرفه جویی در هزینه های تعمیر و نگهداری از جمله مزایای این طرح است. "همزمان با اعلام این مطلب، روزنامه "سرمایه" در گزارشی از فرسودگی تصفیه خانه ها و کاهش کیفیت آب تهران، به فعالیت برخی بنیادها مانند بنیاد مستضعفان، غدیر و نور اشاره کرده و تلاش آنها برای تصاحب شبکه های آبیاری و تصفیه خانه های کشور را مورد تاکید قرار داد. این بنیادها، در کنار شرکت های سپاه پاسداران، پس از آنکه برخلاف قوانین موجود در حاشیه رودخانه کرج که منبع آب شرب تهران قلمداد می شود، به ساخت و سازهای وسیع مبادرت کرده اند و طبق گزارش سازمان محیط زیست و سازمان بازرسی کل کشور آلودگی آب شرب تهران نتیجه همین ساخت و سازهاست. اینک با توجه به ابلاغیه اصل ۴۴ می کوشند شبکه های آبیاری کشور و تصفیه خانه های عمده مانند تصفیه خانه های اصلی شهر تهران را به چنگ خود در آورند. روابط عمومی وزارت جهاد کشاورزی در یک گزارش که طی آن بر خصوصی سازی منابع و شبکه آبیاری تاکید شده، میزان سرمایه گذاری و سودهای احتمالی در این زمینه را بالغ بر میلیاردها تومان ارزیابی کرده است. در این گزارش آمده است: "در حال حاضر ۷۱۰۰ طرح در زمینه های مختلف به ویژه آب و اصلاح شبکه های آبیاری تهیه شده که برای انجام آنها ۶۷۱۴ میلیارد ریال سرمایه گذاری لازم می باشد و آماده واگذاری به بخش خصوصی است. در حال حاضر از ۸۶ میلیارد متر مکعب آب کشاورزی کشور ۴۵ میلیارد آن از طریق چاه ها، ۱۸ میلیارد متر مکعب از چشمه ها، ۸ میلیارد متر مکعب از قنات و مابقی از طریق سدها تامین می شود. برنامه ای تنظیم شده تا قسمت عمده شبکه آبیاری این منابع آبی به بخش خصوصی واگذار گردد."

با توجه به اهمیت آب در کشور و نقش آن در توسعه و رشد اقتصادی و جز اینها، واگذاری شبکه های آبیاری و منابع آبی به بخش خصوصی، آن هم به تعدادی از بنیادهای انگلی، غیر از فاجعه ای بزرگ معنای دیگری نخواهد داشت!

افزایش بهای خوراکی ها و آشامیدنی ها

دفتر آمارهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی در تازه ترین برآورد خود از تورم، اعلام داشت که، شاخص بهای خوراکی ها و آشامیدنی به عنوان یکی از گروه های اصلی تعیین کننده شاخص تورم، در اردیبهشت ماه امسال در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۳۰/۵ درصد افزایش یافت.

روزنامه "سرمایه"، ۲ تیرماه، با انتشار این گزارش بانک مرکزی، نسبت به افزایش باز هم بیشتر قیمت مواد خوراکی هشدار داد. مطابق گزارش مذکور، قیمت اغلب کالاها، مصرفی ضرور مردم هر ماه افزایش داشته و مستقیماً بر سطح زندگی مزد بگیران تاثیر منفی و مخرب باقی گذارده است. در برآورد بانک مرکزی تصریح می شود: "بهای خوراکی و آشامیدنی ها در مقایسه با ماه قبل (یعنی طی ۳۰ روز) نیز بیش از ۱/۵ درصد افزایش یافت که تا حدی ناشی از بالا رفتن ۳۳/۵ درصدی شاخص بهای انواع برنج بوده است. مرتبه دوم افزایش شاخص بها در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۷، ۲۸/۸ درصد افزایش در مقایسه با ماه مشابه سال قبل به گروه مسکن، آب و برق، گاز و سایر سوخت ها اختصاص دارد. این شاخص در مقایسه با فروردین ۱۳۸۷ نیز ۹/۱ درصد افزایش را نشان می دهد. بطور کلی شاخص تورم در اردیبهشت ماه ۸۷ نسبت به ماه قبل ۱/۷ درصد و نسبت به ماه مشابه سال قبل ۲۵/۳ درصد افزایش یافت."

افزایش نرخ تورم در کشور زندگی را برای اکثریت جامعه دشوار ساخته و سیاست های ارتجاع حاکم نیز در جهت تشدید این وضعیت و افزایش فقر و تیره روزی در میان توده های زحمتکش شهر و روستا است.

تورم، گرانی، بیکاری و نابودی بینه تولیدی نتیجه مستقیم سیاست های اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه است که خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه و اجرای ابلاغیه اصل ۴۴ به بهای نابودی امنیت شغلی زحمتکشان و تخریب منافع ملی ایران، مضمون اصلی آن را تشکیل می دهد!

سوسیالیسم دمکراتیک، پیشینه و ماهیت آن

با تغییرات پر شتاب در جهان معاصر، بحث و برخورد های نظری در صفوف جنبش های ترقی خواه و چپ، به ویژه جنبش کارگری و کمونیستی، وارد دوری تازه و تامل برانگیز شده است. گرچه چنین رویارویی های علمی و تئوریک ضرور و روشنگرانه هنوز به لحاظ تاریخی مراحل نخستین خود را طی می کند، ولی نمی توان چشم امید به آن نداشت! این مباحث خود زائیده اوضاع مشخص تاریخی است که مادر آن قرار داریم، به بیان دقیق تر، مبارزان راه آینده در پویه قانونمند تاریخ برای پیمودن مسیر پریچ و خم تکامل و گشودن درب ها و زدودن غبار پندارهای باطل به ژرفکاوای علمی و غنا بخشیدن به تئوری انقلابی نیازمندند، زیرا به قول لنین، بدون تئوری انقلابی جنبش انقلابی نمی تواند وجود داشته باشد.

جامعه جوان و تشنه حقیقت کنونی ایران از این قاعده مستثنی نبوده و نیست و به همین دلیل همه آن مباحث فکری-فلسفی که در سطح جهان مطرح است در میهن ما بازتاب داشته و بحث های نظری مذکور با توجه به سطح تکامل جامعه و درجه رشد پایه های علمی و اجتماعی در میان نیروهای مترقی و چپ جریان دارد. یکی از مباحث اصلی بی که در میهن ما در لحظه کنونی بدان اهمیت داده و پیرامون آن بحث و برخورد نظری وجود دارد، تعریف و یا باز تعریف پاره ای از شالوده های تئوری انقلابی و جهان بینی مارکسیستی-لنینیستی، مفاهیمی چون مبارزه طبقاتی، انقلاب اجتماعی، مفهوم دولت، دمکراسی و جز اینها است. در این مقاله برآن نیستیم که به همه این مسایل پرداخته و جزء به جزء مقولات و مفاهیم مورد بحث را شکافته و از دیدگاه جهان بینی علمی توضیح دهیم. حزب مابه موقع خود و با تشخیص اوضاع در ارتباط با مباحث عمده تئوریک نظرات خود را بیان داشته و در آینده نیز بیان خواهد داشت. در اینجا کوشش ما، توضیح مختصری درباره مفهوم یک شبه تئوری به نام سوسیالیسم دمکراتیک و پیشینه و مضمون آن است، زیرا گروهی از نیروها و سازمان های چپ و ترقی خواه کشور ما این شبه تئوری را چون دارویی معجزه گر برای جنبش کارگری ایران توصیه می کنند و به زعم خود آن را مبنای عمل و اندیشه قرار داده اند. متأسفانه آن چنان که از نوشته ها و اظهارات رسمی این جریانات و شخصیت ها می توان دید، عدم آشنایی کافی و ضرور از پیشینه و محتوی شبه تئوری "سوسیالیسم دمکراتیک" است. پاره ای از سازمان ها شکل گیری و پیدایش این تئوری را به فروپاشی اتحاد شوروی و مسایل حاد تئوریک ناشی از آن مرتبط می کنند و در ذهن خویش برای آن پوشش و ظاهری "نو" و "مدرن" می تراشند. در حالیکه واقعیت چنین نیست.

پیدایش "سوسیالیسم دمکراتیک" به هیچ روی محصول فروپاشی اتحاد شوروی نیست، و این شبه تئوری به دوران اولیه تکامل مارکسیسم و پدر تجدید نظر طلبی در اندیشه های سوسیالیسم علمی، یعنی ادوارد برنشتاین، تعلق دارد.

برنشتاین در مقابله با مارکس و انگلس، با نفی مبارزه طبقاتی، بر آن بود که سوسیالیسم بیشتر نیازمند ایمان و اعتقاد اخلاقی است تا ضرورت نفی و نابودی سرمایه داری. به اعتقاد او مبارزه طبقاتی در جوامع سرمایه داری به دلیل پیچیدگی ها و فرآیند بخرنج ساختاری و تاریخی روبه کاهش گذاشته و نوعی "دولت دمکراتیک" در آن مستقر شده و می شود. طبق این نظریه، مبارزات طبقاتی در کشورها و جوامع سرمایه داری هر چه بیشتر کم رنگ شده و تاریخ می تواند فارغ از تضاد به نحو تکاملی پیش برود و در نتیجه مبارزه طبقاتی و انقلاب اجتماعی پایه علمی ندارد!!!

این گونه نظرات در دهه شصت و هفتاد سده بیستم از سوی جریانات رفورمیست نظیر حزب کارگر انگلستان و برخی احزاب سوسیال دمکرات اروپا بسط و گسترش یافت. نظریه پردازان این احزاب چنین عنوان می کردند که قوانین سرمایه داری تحت تاثیر نهادهایی چون دولت رفاه و اتحادیه ها،

ماهیت و طبیعت خود را دگرگون کرده و در نتیجه سرمایه داری به دولت رفاه عمومی بدل شده است، که همان تئوری دمکراتیزه شدن سرمایه داری است، و بنابراین مبارزه طبقاتی موضوعیت خود را از دست داده و سرمایه داری در یک فرآیند مسالمت آمیز و به طور طبیعی با کمک سرمایه داران به سوسیالیسم فرا خواهد رویید!

تمام جریانات مدافع چنین دیدگاهی خود را "سوسیالیسم دمکراتیک" نامیده و می نامند. آنها مدعی هستند که دمکراسی فراطبقاتی است و همین دمکراسی فراطبقاتی در کشورهای سرمایه داری آن چنان رشد و گسترش یافته که "دولت دمکراتیک مدرن" با حضور همه طبقات، منافع کل جامعه را نمایندگی می کند. لذا اندیشه های مارکس، انگلس و لنین در خصوص ماشین دولتی بورژوازی و ضرورت مبارزه طبقاتی دیگر اعتبار خود را از دست داده است! "سوسیالیسم دمکراتیک" چه در دهه شصت و هفتاد سده بیستم و چه در سده بیست و یکم تاکید کرده و می کند که دولت در جوامع امروزی سرمایه داری ماهیت طبقاتی ندارد.

چنین است پیشینه و ماهیت شبه تئوری "سوسیالیسم دمکراتیک" به شکل فشرده. در میهن ما نیز این نظرات، البته با انگیزه های متفاوت، طی چند دهه گذشته حضور داشته است. کافی است به سرانجام جریاناتی همچون نیروی سوم خلیل ملکی و نقش آنها در حوادث سیاسی کشور نظری افکنده شود تا ماهیت و خصلت شبه تئوری "سوسیالیسم دمکراتیک" در شرایط جامعه ایران روشن گردد. مگر عمل معیار حقیقت نیست؟ و اگر هست سابقه "سوسیالیسم دمکراتیک" در کشور ما حاوی تجربیات معینی است که باید به آن توجه جدی و عمیق داشت!

در ابتدای این مقاله اشاره شد که برخلاف تصویری غلط پیدایش "سوسیالیسم دمکراتیک" ربطی به فروپاشی اتحاد شوروی و مباحث تئوریک با اهمیت پیرامون آن ندارد. به این نکته باید اضافه کنیم که، اما رواج و "مدروز" شدن آن در پاره ای از کشورها و از جمله ایران، با این عقب گرد تاریخی پیوند دارد. این شبه تئوری پس از فروپاشی اتحاد شوروی در فضای یاس و شکست جنبش کمونیستی و زیر فشار شدید ایدئولوژیک سرمایه داری، زمینه رواج یافت. در واقع "سوسیالیسم دمکراتیک" پاسخی به ضرورت زمان و برآمده از نیازمندی های تاریخی نبوده و نیست. بلکه رواج و گسترش آن ناشی از خلاء ایدئولوژیک ناشی از شکست بود که همزمان با پر شدن این خلاء ایدئولوژیک، شاهد افول آن هستیم.

نکته پر اهمیت دیگر اینکه "سوسیالیسم دمکراتیک" یک به اصطلاح تئوری منسجم و یکدست و توانمند علمی نیست و مدافعان آن هم متنوع اند و انگیزه های طبقاتی مختلف دارند. به طور مثال بخشی از بدنه و رهبری احزاب سوسیال دمکراتیک که بر غلبه دیدگاه های شدید لیبرالی و راست در احزاب خود انتقاد دارند و بر لایه هایی از جنبش سندیکیایی متکی هستند مانند نمونه آلمان و گروه هایی از جریانات مشهور به کمونیسم اروپایی در داخل احزاب کمونیست اروپا به ویژه ایتالیا، فرانسه و اسپانیا و نیز برخی احزاب کشورهای سابق سوسیالیستی در اروپا، به علاوه جریانات تروتسکیست و جناح های تروتسکیستی در برخی احزاب، طیف رنگارنگ و فاقد انسجام "سوسیالیسم دمکراتیک" را تشکیل می دهند. که از بسیاری جهت ها دارای تفاوت های اساسی در سیاست و برنامه خود هستند.

این شبه تئوری، که مارکسیسم به مثابه پایه تحلیل اجتماعی را رد می کند، با رشد تضادهای اجتماعی، اندک اندک در افق سیاسی جهان رنگ می بازد و در برابر ضرورت های تاریخ و نیازهای زحمتکشان بیش از پیش سترونی خود را به نمایش گذارده و در انتظار آخرین تلنگر تاریخ وقت گذرانی می کند!

کنترل قیمت مسکن از حرف تا عمل!

***خرید مسکن برای افراد معمولی و با درآمد ثابت به رویا تبدیل شده، اجاره یک واحد مسکونی معمولی در سال جاری هم کم کم به رویا تبدیل می شود.**

فقط دارندگان درآمد بالا، توان تهیه مسکن دارند، اجاره ها در سال جاری سرسام آور است، به حدود ۱۵ بنگاه مراجعه کردم و واقعا خسته شدم، حتی به یک آپارتمان ۴۰ متر مربعی هم راضی هستیم ولی پیدا نمی شود!

یک آموزگار دبستان در گفتگو با خبرگزاری ایسنا

طی چند سال اخیر، به ویژه در ماه های گذشته، بهای ساختمان های مسکونی و تجاری با رشدی شگفت انگیز روبه رو شده است. این رشد انفجاری به همراه خود افزایش سرسام آور اجاره مسکن را نیز پدید آورده، به شکلی که اغلب مزدبگیران کشور قادر به تامین هزینه های مربوط به مسکن نیستند. بنابه آمار رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، هزینه ماهیانه مسکن در رسید خانوارهای ایرانی بیشترین افزایش را نشان می دهد. اکنون معضل مسکن به یکی از مهم ترین مسایل اجتماعی کشور بدل شده و بحث درباره علل گرانی مسکن و راه های مقابله با آن در سطحی گسترده جریان دارد. چندی پیش خبرگزاری "فارس"، ۱۸ خردادماه، در گزارش اختصاصی از جزئیات طرح جدید دولت برای کنترل قیمت مسکن از جمله نوشت: "در جلسه شورای عالی مسکن مقرر شد. اطلاعاتی از جمله شماره سریال کلیه سندهای مسکن و شماره کد ملی فرد مالک در شبکه پارانه ای اطلاعات املاک ثبت شود تا اگر فردی بیش از سه بار اقدام به خرید و فروش مسکن کرد از وی مالیات دریافت شود."

این طرح که از هم اکنون اما و اگرهای بسیاری با خود دارد، به عنوان مهمترین اهرم رژیم ولایت فقیه برای کنترل قیمت مسکن معرفی گردیده و مسئولان مجلس هشتم و دولت احمدی نژاد امید دارند با اجرای آن مانع از افزایش بیشتر قیمت مسکن و به همراه آن اجاره بها شوند. دو عامل در سال های اخیر به رشد قیمت مسکن آن هم در چنین ابعادی دامن زده است. نخست طرح تقویت بنگاه های زود بازده است. از ۲ سال پیش به اینسو میلیاردها تومان وام های کلان اختصاص یافته به این طرح، نه تنها جذب امور تولیدی و تقویت بنگاه های کوچک و متوسط نگردیده، بلکه پول کلانی از این راه از بازار مسکن و دیگر امور غیر تولیدی سردرآورده و یا اینکه به خارج از کشور منتقل شده است. فقط در سال ۱۳۸۶ ۱۲ میلیارد دلار از دارایی های ایران در چارچوب برنامه های اقتصادی کنونی توسط کلان سرمایه داران و تجار عمده به خارج از ایران انتقال یافته است. در این خصوص روزنامه "سرمایه"، ۱ خرداد ماه، از قول رییس پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی گزارش داد: "حجم تسهیلات پرداختی به بنگاه های اقتصادی زود بازده که در دولت خاتمی ۹۰۰ میلیارد تومان بود با رشدی ۲۰۰ برابری ۳ سال سپری شده از عمر دولت احمدی نژاد به ۱۸ هزار میلیارد تومان رسیده است." تزریق چنین مبلغ کلانی به امور دلالی و غیر مولد از جمله مسکن نمی تواند بدون پیامد باشد. رشد سرسام آور بهای مسکن یکی از این پیامدهاست. عامل دیگری که با سیاست های دولت احمدی نژاد پیوند مستقیم دارد، تصویب طرح جامع مسکن در هیئت دولت بود. مطابق این طرح قرار است در دو مقطع ۵ ساله و یک مقطع ۲۰ ساله و منطبق با برنامه چشم انداز ۲۰ ساله، برای حل معضل مسکن وام های ۱۰ میلیون و ۱۸ میلیون تومانی به متقاضیان و فعالان بخش مسکن پرداخت شود تا به این ترتیب طی ۳۰ سال آینده "همه صاحب خانه شوند". این طرح در همان مرحله اول باعث افزایش ۳۰ درصدی اجاره بها و قیمت مسکن در کشور شد و تولید کنندگان بخش مسکن را از شمول دریافت تسهیلات طرح های زودبازده معاف کرد. به این ترتیب امکان حضور دلالان در این

بخش فراهم آمد و تسهیلات این طرح نیز در خدمت دلالان قرار گرفته و به نوبه خود افزایش قیمت مسکن را سبب گردید.

این در حالی ست که اغلب تعاونی های مسکن از جمله تعاونی مسکن کارگری از دریافت تسهیلات و وام های مناسب بانکی محروم هستند. برخورداری از حق مسکن مانند خوراک و پوشاک از ضروری ترین نیازهای انسان به شمار می آید.

در چارچوب سمت گیری اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه، هدف از حضور در بخش مسکن نه ایجاد و تولید مسکن ارزان و مناسب در راستای حل این معضل، بلکه تامین حداکثر سود است. به کار انداختن سرمایه توسط بخش خصوصی در امور ساختمان و مسکن دقیقاً به دلیل فوق است. در جمهوری اسلامی صاحبان ثروت و بنیادهای انگلی از سفته بازی بر روی مواد و مصالح ساختمانی، بر مستغلات و زمین و بالاخره بر خانه سازی و خرید و فروش آن، درآمدهای هنگفت به چنگ می آورند. وضع موجود و گرانی قیمت مسکن و اجاره بها خود نتیجه چنین عملکردی است.

یکی از علت های اساسی نابسامانی و معضل مسکن مربوط به برنامه خصوصی سازی و تقویت بخش خصوصی غیر مولد است. دولت در این زمینه تقریباً مسئولیت خود را در پاسخ به انبوه افراد کم درآمد و مجموعه مزد بگیران با این تاکید که بخش خصوصی این "وظیفه" را برعهده دارد، به این بخش سپرده است. سهم تولید بخش دولتی از ۲۰ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۵ درصد در سال ۱۳۶۹ و به ۲ درصد در سال ۱۳۷۱ و اکنون به کمتر از ۲ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده است. پرواضح است که هدف بخش خصوصی غیر مولد تامین حداکثر سود است و منافع توده های وسیع مردم برای آن فاقد ارزش است. به علاوه، سیاست های اعتباری بانکی در زمینه مسکن فقط و فقط به سود سفته بازان و دلالان تمام شده و می شود. در سال های اخیر به دلیل ساختن خانه های تجملی و نیمه تجملی، آسمان خراش هایی که منظره زیبای طبیعت شهر تهران را مکدر ساخته اند، ویلاهای گران قیمت در مناطق شمالی شهر و جز اینها، اکثریت جامعه یعنی کارگران، زحمتکشان، قشرهای میانه حال قادر به خرید این خانه ها نیستند. در نتیجه با فروش نرفتن خانه های ساخته شده رکود مسکن بروز می کند و دولت برای برطرف کردن این رکود، بر میزان وام بانکی برای خرید و ساخت خانه می افزاید، به دنبال اتخاذ چنین سیاستی بهای خانه افزایش و خانه سازی برای یک دوره کوتاه رونق پیدا می کند، ولی دوباره رکود آغاز می شود و سیستم بانکی مجدداً به پرداخت وام می پردازد. به این ترتیب خرید خانه برای سودجویی و ثروت اندوزی بدون زحمت و فعالیت رواج می یابد. این روش همانند سفته بازی بروی زمین، مسکن و مواد و مصالح ساختمانی از علل معضل مسکن محسوب می گردد. بنابر این تاکید بر این واقعیت که افزایش اعتبارات بانکی به بخش خصوصی غیر مولد، در چارچوب سیاست تامین امنیت سرمایه و خصوصی سازی، و توزیع نامناسب این اعتبارات در بخش های عمده اقتصادی به انگیزه فعالیت دلالان در امور بازرگانی، دلالی، سفته بازی بروی ساختمان و مسکن در مقابل کاهش به شدید سرمایه گذاری در بخش های تولیدی جامعه می انجامد و نتایجی چون بحران مسکن و افزایش قیمت مسکن را پدید می آورد، که پیامدی کاملاً منطقی و علمی است.

معضل مسکن ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با سیاست های کلان اقتصادی رژیم و برنامه اصلاح ساختار اقتصادی دارد. دیدگاه نزدیک و مشترک مجلس هشتم و دولت احمدی نژاد در زمینه چگونگی برخورد به معضل مسکن، نشان دهنده ماهیت برنامه هایی است که هدفی جز تامین منافع کلان سرمایه داران و سرمایه بزرگ تجاری به زیان منافع زحمتکشان شهر و روستا و قشرهای میانه حال، ندارد!

سازمان تجارت جهانی توافق دارند. تعامل میان دولت و مجلس در زمینه طرح تحول اقتصادی و در عین اختلاف سلیقه در روش های اجرای آن به ویژه حذف یارانه ها مطابق نسخه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، در چنین چارچوبی قابل ارزیابی و بررسی است.

نکته فوق العاده مهمی که به عمد از سوی رژیم ولایت فقیه در طرح تحول اقتصادی برجسته نشده و در سایه به آن می پردازند، خصوصی سازی صنایع مادر و کلیدی به موازات حذف یارانه ها است. در واقع اختلاف نظر و سلیقه در چگونگی هدفمند کردن یارانه ها و بازتاب آن در رسانه های همگانی و تشدید رویارویی در این زمینه میان جناح های گوناگون حاکمیت، جنبه بسیار مهم و اصلی طرح تحول بزرگ اقتصادی که عبارتست از خصوصی سازی صنایع نفت و گاز بر پایه ابلاغیه اصل ۴۴، را به حاشیه رانده و کمتر در معرض دید و داوری افکار همگانی قرار می دهد. در حالیکه این بحث یعنی حذف یارانه ها ارتباط مستقیم با خصوصی سازی و آزاد سازی اقتصادی به ویژه در صنایع کلیدی و راهبردی مانند نفت و گاز دارد!

در این خصوص سخنان وزیر سابق امور اقتصاد و دارایی دولت احمدی نژاد در جریان همایش بین المللی جهانی شدن، خصوصی سازی و عدالت اقتصادی را نباید فراموش کرد. وی در جریان همایش مذکور با صراحت گفته بود: "زمانی که ضرورت پرداختن به بحث کنترل یارانه ها در اقتصاد مطرح می شود در واقع هدف این است که مشخص شود رابطه تنگاتنگی میان بحث یارانه ها و خصوصی سازی و آزاد سازی اقتصادی و حضور بخش خصوصی در اقتصاد وجود دارد. هدف سیاست های کلی ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی توانمند سازی بخش خصوصی و خصوصی سازی بنگاه های بزرگ دولتی و یا در انحصار دولت است."

بی جهت نیست هاشمی رفسنجانی در همایش نظارت بر اجرای سیاست های کلی ابلاغیه اصل ۴۴ ضمن بیان اختلاف شیوه و روش با دولت احمدی نژاد در زمینه خصوصی سازی، با تایید طرح تحول اقتصادی این دولت اعلام می دارد: "من این کار را بسیار مهم می دانم، زیرا حرکت عظیمی با زیر بنای سند چشم انداز و موتور حرکت ابلاغیه اصل ۴۴ آغاز شده، جاهایی که بخش خصوصی باید وارد شود و می توان کار بزرگی با آن انجام داد مثل پالایشگاه ها، کشتی رانی و تاسیسات استراتژیک، من این کارها را مهم تر از واگذاری کارخانجات می دانم..."

همه این موارد پیوستگی و ارتباط تنگاتنگ اجزای برنامه تحول اقتصادی خصوصا حذف یارانه ها و خصوصی سازی صنایع کلیدی را آشکار می سازد.

در این زمینه و در راستای خصوصی سازی صنایع نفت و گاز، اخیرا تفاهم نامه ای میان بنیاد مستضعفان و شرکت ملی نفت ایران در ۱۲ بند به امضاء رسید که رسانه های همگانی کشور آن را به درستی آغاز خصوصی سازی صنعت نفت ایران ارزیابی کردند.

روزنامه "سرمایه"، ۴ تیرماه، در گزارشی با عنوان پر معنای "بنیاد مستضعفان تاجر نفت شد" در این باره چنین نوشت: "مدیر کل شرکت ملی نفت و معاون وزیر نفت گفت، یک معنای راه اندازی بورس نفت این بوده است که تجارت نفت و سایر فرآورده ها و معاوضه نفت خام (سوآپ) در انحصار شرکت خاصی نباشد و لذا شرکت های خصوصی دیگر هم می توانند به این عرصه وارد شوند. اما فعلا بنیاد مستضعفان و جانبازان شایستگی این کار را دارد و می تواند به این بخش وارد شود. بنیاد مستضعفان می تواند با معرفی شرکای خارجی معتبر و واجد صلاحیت در میدان های نفت و گاز فعالیت نماید. شرکت ملی نفت آمادگی واگذاری ۲ فاز میدان گازی پارس جنوبی از طریق مذاکرات دو جانبه و بیع متقابل را به بنیاد مستضعفان دارد."

حضور بنیاد انگلی و غارتگری چون بنیاد مستضعفان در صنعت ملی نفت ایران به معنای پایان اصل ملی شدن صنایع نفت و آغاز خصوصی سازی در این صنعت است، که در چارچوب طرح تحول اقتصادی و بر پایه ابلاغیه اصل ۴۴ صورت می گیرد. با امضای تفاهم نامه میان بنیاد مستضعفان و وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران، زمینه فعالیت این بنیاد در بخش های بالا دستی نفت، ساخت تاسیسات، لرزه نگاری مطالعه مخازن، حفاری و

تحول اقتصادی با خصوصی سازی

صنعت نفت

***- بنیاد مستضعفان به عنوان نخستین شرکت خصوصی بر پایه طرح تحول اقتصادی در استخراج و فروش نفت خام ایران شریک و سهام گردیدو به این ترتیب گام های اولیه برای خصوصی سازی صنعت ملی نفت ایران توسط ارتجاع حاکم برداشته شد!**

سرانجام پس از انتظاری چند ماهه، محمود احمدی نژاد، طی مصاحبه ای که از برنامه شبکه اول سیما جمهوری اسلامی پخش شد، کلیات طرح تحول بزرگ اقتصادی را بازگو کرد، این طرح همزمان با اعلام تحریم های مالی جدید اتحادیه اروپا بر ضد ایران که با استقبال امپریالیسم آمریکا روبه رو گردیده، اعلام می شود و از این حیث نمی تواند یک تصادف ساده و بی ارتباط با فشارهای بین المللی تلقی و ارزیابی شود!

احمدی نژاد در این برنامه به مسایل اقتصادی-اجتماعی و اهمیت آن در اوضاع کنونی اشاره کرده و بر عزم دولت خود در اجرای سریع برنامه خصوصی سازی بر پایه ابلاغیه اصل ۴۴ تاکید ورزید. وی در خصوص معضلات کشور، بهره وری پایین، فقدان نظام کار آمد یارانه ای، معیوب بودن ساختار مالیاتی، گمرکی و سیستم بانکی را ۵ مشکل اساسی و ریشه ای خواند که با اجرای طرح تحول بزرگ اقتصادی همه آنها حل خواهد شد.

مهمترین بخش های طرح تحول اقتصادی مورد نظر مرتجعان حاکم نقدی کردن یارانه ها و حذف یارانه کالاها و خصوصی سازی صنایع کلیدی و راهبردی نظیر صنایع نفت و گاز است.

بلافاصله پس از سخنان احمدی نژاد، موجی از حمایت فضای تبلیغاتی کشور را تسخیر کرد. یحیی آل اسحاق رییس اتاق بازرگانی تهران در نخستین واکنش به این طرح تاکید کرد: "طرح تحول اقتصادی دولت، طرحی بسیار شجاعانه و اقدامی جسورانه در جهت برقراری تعادل اقتصادی است. اجرای این طرح یک جراحی بزرگ در اقتصاد کشور به شمار می آید که تاثیراتی را نیز در سایر حوزه ها از جمله اجتماعی، صنعت و تولید دارد."

حمایت و پشتیبانی مسئولان و گردانندگان اتاق بازرگانی از این طرح بی دلیل و صرفا تبلیغاتی نیست. پیش از اعلام کلیات طرح توسط احمدی نژاد، یکی از اعضای هیئت ریسه مجلس هشتم به خبرنگار پایگاه خبری "مهر"، ۳ تیرماه، یادآوری کرده بود که، هدفمند کردن یارانه ها و خصوصی سازی بر اساس ابلاغیه اصل ۴۴ در نشست مشترک دولت و مجلس مورد تاکید قرار گرفت و بر تعامل دو قوه برای تحول اقتصادی در کشور پا فشاری شد. در عین حال در جریان همایش نظارت بر اجرای سیاست های کلی ابلاغیه اصل ۴۴، که چندی پیش در تهران برگزار شد، روسای ۲ قوه و نیز رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام ضمن سخنانی محتوی و سمت و سوی برنامه تحول بزرگ اقتصادی را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده بودند. علی لاریجانی در این همایش از جمله خاطر نشان ساخته بود: "بر خلاف تصور برخی افراد دراوایل انقلاب که فکر می کردند دولتی شدن اقتصاد به اسلامی شدن نزدیک تر است، تجربه این سال ها نشان داد، دولتی شدن به بیماری اقتصاد کشور و گسترش بی عدالتی منجر شد... در تفکر اسلامی داشتن ثروت فبیح نیست. واگذاری بخش های دولتی، هدف سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیست، بلکه این وسیله ای است برای هدف اصلی، یعنی ایجاد رقابت اقتصادی در جامعه [بخوان اقتصاد بازار آزاد]."

در همین همایش احمدی نژاد نیز تصریح کرد: "اقتصاد دولتی تجربه ای شکست خورده و بر خلاف عدالت می باشد. اقتصاد دولتی خلاف عدالت است، دولت با تمام قوا آماده اجرای اصل ۴۴ است." بر اساس چنین دیدگاه هایی، جناح های مختلف طیف ارتجاع حاکم ضمن اختلاف در شیوه اجرایی و تند و کند کردن اجرای برنامه خصوصی سازی و اصلاح ساختار اقتصادی، در موارد کلی، یعنی حرکت به سمت هماهنگی و ادغام در "بازار جهانی" و پیوستن به

ادامه با هم به سوی تلاش گسترده ...

نیروهای جنگ طلب و امپریالیسم برای یورش نظامی به ایران را دنبال کرده اند. سیاست های فاجعه بار امپریالیسم در منطقه، از جمله وضعیت کنونی عراق و کشتار صد ها هزار انسان بی گناه و تخریب گسترده این کشور، جای هیچ گونه خوش بینی و کم بها دادن به خطراتی که ایران و منطقه را تهدید می کند باقی نمی گذارد. جلوگیری از تکرار فاجعه جنگ عراق تنها با بسیج افکار عمومی جهان و منطقه و اتخاذ سیاست های منطقی و به دور از تنش فزایی ممکن است.

خانم شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل، که از سخنرانان نشست «شورای ملی صلح» بود در سخنان خود ضمن اشاره به سرنوشت کشور همسایه ایران یعنی عراق از جمله گفت: «جنگ در عراق سال ها قبل از حمله نظامی به آن کشور آغاز شده بود. حدود ۱۰ سال عراق در تحریم اقتصادی بود و طبق آمارهای منتشره بیش از یک میلیون کودک کمتر از پنج سال به علت عدم دسترسی به شیر خشک و دارو از بین رفتند. جنگ از سال ها قبل بلای جان مردم عراق شده بود و البته تهاجم نظامی وضعیت آنان را بدتر هم کرد.» عبادی در ادامه به وضعیت ایران کنونی پرداخت و با اشاره به این مطلب که یکی از اهداف انقلاب رهایی مردم از نابرابری ها و بی عدالتی های اجتماع بوده است گفت: «اکنون با گذشت سه دهه از آن تاریخ شاهد هستیم که طبق آمارهای دولتی بیش از ۱۰ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می کنند یعنی از هر هفت ایرانی یک نفر با روزی کمتر از یک دلار زندگی می کند. این گفته مقامات رسمی حکومت است و به عقیده کارشناسان میزان فقر در اجتماع بیش از این هم هست. بالا بودن درصد بیکاری و عدم تناسب دستمزدها و مخارج زندگی باعث فرار مغزها شده است که طبق آمار یونسکو، ایران بیشترین درصد فرار مغزها را دارد و متأسفانه تحریم اقتصادی باعث تشدید این وضعیت نیز خواهد شد.» دکتر پیمان که از دیگر سخنرانان این نشست بود با اشاره به این مسئله که: «کسانی دست به جنگ زده اند که در جامعه نقش مولد نداشته اند» افزود: «نیروهای مولد و آفرینش گران اهل صلح اند و غارتگران خواستار جنگ.» پیمان در ادامه با اشاره به شکاف ملت - حکومت علت این موضوع را به دلیل کوناهای دست نیروهای مولد از قدرت دانست و با اشاره به بروز بی اعتمادی در جامعه آن را نتیجه شفاف نبودن سیاست ها دانست و گفت: «یک رژیم دموکرات هر چه داشته باشد رو هست.» پیمان در بخش دیگری از سخنان خود بر نقش زنان در راه ایجاد گفتن صلح خواهی در جامعه تأکید کرد و افزود: «نباید صلح را محدود به روشنفکران کرد و نیروهای مولد جامعه باید درگیر مسئله صلح شوند. او گفت که طرفداران صلح باید بی عدالتی ها و فقر را به عرصه عمومی ببرند چراکه بدون مبارزه و کمک و همیاری مردم، شعار صلح تحقق نخواهد یافت.»

مبارزه برای صلح، همان طور که در نشست موسسان «شورای ملی صلح» نیز به آن اشاره شده است، ارتباط تنگاتنگ و گسست ناپذیری با مبارزه مردم ما برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی دارد. سیاست های مردم ستیزانه و مخرب رژیم حاکم، سرکوب و اختناق قرون وسطایی، در کنار سیاست های مخرب اقتصادی - اجتماعی، با وجود درآمد هنگفت نفت، بخش های وسیعی از شهروندان میهن ما را در فقر و محرومیت غیر انسانی فرو برده و کشور را با وضعیت بسیار دشواری رو به رو کرده است. اتخاذ سیاست های تبلیغاتی و نابخردانه دولت احمدی نژاد، تهدیدات تو خالی و سیاست هایی که در مجموع تنها آب به آسیاب سیاست های محافل جنگ طلب منطقه و امپریالیسم می ریزد، بخشی از دشواری های کنونی است که میهن ما و جنبش صلح با آن رو به روست.

تشنج زدایی و تأکید بر حل معضلات و مشکلات منطقه ای از طریق صلح آمیز و تأکید بر نقش مهم نهادهای بین المللی همچون شورای حکام و مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دوری از زبان جنگ و تهدید از جمله سیاست هایی است که می تواند در راه تخفیف بحران کنونی موثر واقع گردد.

حزب توده ایران در سال های اخیر ضمن تأکید بر حرکت مشترک همه نیروهای مترقی، آزادی خواه و صلح دوست جامعه همواره بر این امر تأکید داشته است که سامان دهی یک جنبش سراسری و موثر صلح و آزادی

خواهانه تنها با شرکت وسیع ترین طیف نیروهای آزادی خواه و ملی و با شرکت نیروهای اجتماعی، جنبش کارگری، جنبش جوانان و دانشجویان و جنبش زنان میهن ما امکان پذیر است.

حرکت در این سمت و تلاش در راه ایجاد زمینه شکل گیری یک جنبش سراسری در کشور بی شک می تواند نقش مهم و موثری در تحولات سیاسی کشور برجای گذارد. حزب توده ایران ضمن استقبال از برگزاری نشست موسسان «شورای ملی صلح»، همه نیروهای صلح دوست و آزادی خواه ایران و جهان را به تلاش مشترک بر ضد درگیری های جدید نظامی در منطقه و جلوگیری از دخالت های قلدارانه امپریالیسم و متحدان آن در امور داخلی میهن ما فرا می خواند. تشکیل نشست موسسان «شورای ملی صلح» گام نخست در راه دشواری است که باید آن را به دور از گروه گرایی و انحصار و با قبول برداشت ها گوناگون نظری و سیاسی طی کرد و راه را برای ایجاد یک جنبش سراسری ضد جنگ، برای صلح آزادی و تحقیق دموکراسی هموار کرد. حزب ما بر اساس سنن تاریخی و برداشت های سیاسی نظری خود تمام تلاش ها و امکانات خود را برای تحقق و موفقیت چنین امر مهمی به کار خواهد گرفت.

ما قبلاً گفته ایم و باز هم تکرار می کنیم که مردم ایران بلوغ سیاسی، اراده کارا و هوشیاری لازم را برای حل و فصل مسایل خود از هر نوع دارند. هرگونه دخالت تجاوزکارانه در امور چنین کشوری از قبل محکوم به شکست است. نبرد نو با کهنه، صلح با جنگ طلبی و جنگ طلبان، دانش با خرافات، و دموکراسی با استبداد ریشه های عمیق و رو به رشدی در جامعه پیدا کرده است. دخالت خارجی، به ویژه دخالت نظامی تأثیر مخربی در این آهنگ رشد ایجاد خواهد کرد و در تحلیل نهایی آب به آسیاب ارتجاع و استبداد خواهد ریخت و منطقه را بیش از پیش به آتش و خون خواهد کشید.

ادامه بحران گرسنگی ...

گذشته از طرف موسسات مالی بین المللی به اجرا در آمده جستجو کرد. گزارشگر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹ - به دنبال تحقیقی از طرف کمیسیون در مورد پی آمدهای طرح های بازسازی ساختاری به تحریک صندوق بین المللی پول و بانک جهانی - اظهار داشت که طرح های مزبور «وسیله ای بودند برای یک پروژه سیاسی، یک استراتژی آگاهانه با هدف تغییر اجتماعی بنیادی در سراسر جهان، که هدف اصلی آن گشودن راه بر فعالیت های آزادانه شرکت های بین المللی در سراسر جهان بود».

دقیقاً، این بازسازی سریع بود که کشورهای جنوبی را در مقیاس وسیعی به سوی سرمایه گذاری اختصاصی در تولید محصولات کشاورزی برای صادرات و نابودی سرنوشت ساز صنعت کشاورزی و امید کشور برای دستیابی به خودکفائی مواد غذایی سوق داد.

موسسات مالی بین المللی، مانند سازمان تجارت جهانی، و تلاش آن به نفع خصوصی سازی نا محدود و عمومی، که امروز در رم شاهد آن هستیم، مسئول اصلی پیدایش کنونی مشکلات لاینحل ساختاری هستند. معهذاً، بدون وجود بورس بازان مالی قیمت ها هرگز نمی توانستند به چنان حد بی سابقه ای در چند هفته گذشته برسند. کارگرانی که از نزدیک در جریان بحران وام های معروف بودند از میلیارد ها دلار وام ارزان قیمت که بانک های مرکزی در اختیار آنان قرار دادند با بورس بازی در غلات و سایر مواد غذایی - مانند قماربازان حرفه ای - برای انباشت سرمایه استفاده کردند.

اوضاع بقدری وخیم است که کمک بشر دوستانه اضطراری یک ضرورت است؛ اما، اگر همزمان با آن، سیاست های کارآمد آلترناتیو کشاورزی در سراسر جهان اتخاذ و اجرا نشوند، که ضروری است با تمهیداتی با هدف کنترل و ضربه زدن به سرطان مالی که بر ضد آن عمل می کند، حمایت شوند، چنان اقدامی عمدتاً نا کافی و غیر عملی خواهد بود.

در آفریقا به سومالی و دادن کمک های راهبردی و مادی به ارتش اتیوپی از پایگاه فرماندهی امریکایی در کشور مجاور جمهوری جیبوتی از نظر دیدگران سیاسی، هدف های حقیقی طرح "افریکام" را آشکار می سازند.

پس از چندین دهه کشمکش در زمان جنگ سرد بسیاری از رهبران آفریقایی از نظامی شدن دوباره قاره نگران هستند. یک افسر بازنشسته ارتش کنیا بنام دانیل اوپانده در مصاحبه با نشریه واشنگتن پست در باره "افریکام" گفت "افریکام به سان مجرای است که بازگشت تحمیل گرایانه ی و گسترده یک قدرت نظامی را در قاره ای که از بیرون راندن قدرت های بیگانه از خاکش بسیار سربلند است تسهیل می سازد.

در پی رد شدن این کوشش، ارتش امریکایی سروصدا در ماه مه اعلام کرد که فعالیت افریکام در قاره دیگری آغاز خواهد شد. حداقل برای زمان کنونی، آفریقایی ها با موفقیت توانسته اند از استقرار پایگاه مرکزی یک نیروی نظامی بیگانه نیرومند در خاک خود جلوگیری نمایند. و بجای این که بر یک نیروی نظامی خارجی تکیه نمایند "اتحادیه آفریقا" نیروی حافظ صلح خود بنام "نیروی آماده باش آفریقا" را براه خواهد داد و گفتگوهایی از سوی کشورهای غربی آفریقا برای یافتن طرحی برای تشکیل "نیروی پاسدار خلیج گینه" در حال انجام است.

با وجود این پاسخ قاطع، ارتش امریکای، بنابر گفته تارنمای "افریکام" در تداوم کارزارهای گوناگون در راستای "امکانات آینده" در سرتاسر آفریقا از دور با هماهنگی پایگاه نظامی "کلی" در شهر اشتوتگارت آلمان ادامه می دهد.

"نه" آفریقا به نظامی گری آمریکا!

برنامه استقرار مرکز فرماندهی امریکا در آفریقا (افریکام) برای حال حاضر به کنار گذاشته شده است. دولت امریکا اعلام کرد که نتوانسته است موافقت هیچ کدام از رهبران متحد خود در آفریقا را برای پذیرش استقرار چنین پایگاهی در مناطق ارضی خود جلب کند. در ماه اکتبر "افریکام" فعالیت خود را در آلمان بجای آفریقا شروع خواهد کرد.

رسانه های بزرگ انحصاری پیرامون نقش برآب شدن این اقدام به اصطلاح جنگ بر ضد تروریسم، کم و بیش سکوت اختیار کرده اند. این در حالی است که همین چند ماه قبل رسانه ها در آستانه سفر جورج بوش، رییس جمهور امریکا به آفریقا، در تشریح دلایل عمده به تمایل ایالات متحده به استقرار مرکز فرماندهی "افریکام" در خاک این قاره اشاره داشتند. در ماه فوریه، بوش به امید وادار ساختن یکی از کشورهای آفریقا برای پذیرش "افریکام" به پنج کشور متحد امریکا در قاره سیاه مسافرت کرد. بوش در تمام کشورهای مورد بازدید خود بجز لیبیا با "نه" مصمم روبرو گردید. حتی پیشنهاد گشایش پنج دفتر کوچک تر منطقه ای برای هماهنگ ساختن امور "افریکام" در آلمان در حالی که ارتش امریکا هنوز به دنبال یافتن میزبان های دیگر است بی پاسخ مانده است.

قرار است "افریکام" فعالیت نیروی های نظامی امریکا را در سرتاسر قاره بجز مصر هماهنگ سازد. دولت بوش از نظر راهبردی، آفریقا را منطقه ای "حساس" بشمار می آورد و در سال ۲۰۰۶ تدابیری را برای فعالیت "افریکام" به جریان انداخت. با آگاهی از پیامدهای منفی این اقدام، واشنگتن تلاش کرد طرح "افریکام" را یک اقدام "مشارکتی" در هماهنگ سازی فعالیت های امدادگرانه و انسان دوستانه با هم پیمانان آفریقایی خود قلمداد نماید. همان طور که نشریه "فایننشال تایمز" نیز نوشته است "مهندسان نظامی امریکا به امید جلب اعتماد در سرتاسر قاره که در آن انگیزه های نظامی امریکا همواره با بدگمانی پیگیری می شوند به تکمیل طرح هایی از قبیل ساختن قفس های نگره داری مرغ تا درمانگاه مبادرت کرده اند." در این مورد حتی سازمان های غیر دولتی امریکا با برنامه های واشنگتن مخالفت می ورزند و هر نقشی را که نیروهای نظامی امریکا در کمک به پیش برد طرح های توزیع کمک و توسعه به عهده گرفته اند رد می کنند.

اهداف واقعی "افریکام" دو بخش دارد: پاسداری از منابع نفت و "جنگ علیه تروریسم". برای همین است که فعالیت نیروی نظامی امریکا در خلیج گینه در غرب آفریقا که در چند سال آینده یک چهارم نفت مورد نیاز امریکا را تأمین خواهد کرد متمرکز شده است. کناره های شرق آفریقا از نظر داشتن برتری نظامی نزدیک مناطق جنگی عراق و افغانستان و دیگر مناطق به اصطلاح مهم راهبردی مانند دریای سرخ قرار دارند.

برای نمونه، تعلیم دهندگان نیروی دریایی امریکا در مورد چگونگی دفاع از چاه های نفتی منطقه که بیشترشان از سوی شرکت های نفتی اکسون و شوران اداره می شوند از دستبرد آنچه واشنگتن دزدان دریایی و تروریست می نامد به آموزش سربازان در کشور کامرون پرداخته اند.

سومین عامل که در تعیین سیاست خارجی امریکا در آفریقا تأثیرگذار است گسترش شتابنده حضور اقتصادی و سیاسی چین در سرتاسر قاره است. به ویژه مشارکت چین و آفریقا در زمینه اکتشاف و استخراج نفت مایه نگرانی دولت بوش شده است.

همگامی در مخالفت با طرح افریکام به دلیل مورد تهدید قرار گرفتن استقلال آفریقا که بازتاب باورمندی سراسری در آفریقا است چه در نشست های دیپلماتیک پشت درهای بسته و چه در آگاهی رسانی همگانی بیان شده است. تهاجم سال گذشته اتیوپی، یکی از هم پیمانان نزدیک امریکا

ادامه تحول اقتصادی در صنعت نفت ...

استخراج نفت و فروش آن فراهم آمده است. مهم ترین بخش این تفاهم نامه اعطای مجوز انحصاری [خوب توجه کنید انحصاری] وبدون محدودیت به بنیاد مستضعفان برای فروش نفت خام ایران وبازاریابی جهانی است.

پایگاه خبری "شهاب نیوز"، ۳ تیرماه، دراین خصوص گزارش داد: "با این تفاهم نامه، بنیاد مستضعفان به تنها بخش غیر دولتی ایران تبدیل شده است، که می تواند درحوزه فروش نفت خام، فرآورده های نفتی و محصولات پتروشیمی دربازارهای جهانی حضور داشته باشد. این تفاهم نامه عملا به معنای پایان دوره انحصار وزارت نفت درعرصه فروش نفت خام است، با توجه به سیاست های کلی اصل ۴۴ و روند خصوصی سازی، این اقدام، قابل تقدیر و اقدامی بزرگ محسوب می شود...فرایند گذار از اقتصاد دولتی به خصوصی بالاخره باید از یک نقطه آغاز شود و توافقات شرکت نفت و بنیاد درحقیقت همان نقطه آغاز ناگزیر درصنعت نفت ایران است. بنیاد مستضعفان درعرصه فروش نفت خام و معاملات نفتی هیچگونه محدودیت و سقف مالی نخواهد داشت. همچنین برخی پروژه ها بدون مناقصه و به صورت ترک تشریفات به بنیاد داده خواهد شد. بنیاد مستضعفان از همین روزها می تواند به عنوان اولین بخش غیر دولتی ایران بازاریابی بین المللی خود برای فروش نفت خام را آغاز کند. اقدامی که البته درصورت تحریم نفتی ایران، تازه میزان اهمیت آن روشن خواهد شد."

بنابراین می توان از ورای ظاهر تبلیغات حکومتی، مهم ترین بخش طرح بزرگ تحول اقتصادی و دلایل سیاسی آن را دید و تشخیص داد. رژیم ولایت فقیه با خصوصی سازی صنعت ملی نفت ایران تضمین بقای خود را از امپریالیسم طلب می کند. دراینجا منافع ملی به ازای حفظ رژیم معامله می شود. مردم میهن ما و همه نیروهای راستین ملی و میهن دوست قاطعانه با این سیاست و خصوصی سازی نفت مخالفت ومبارزه می کنند!

ادامه پرچم ما سرخ خواهد ماند ...

به دعوت رهبری حزب کمونیست انگلستان مسئولیت اداره جلسه را به عهده داشت، آغاز شد.

نماینده حزب مان پس از خوش آمد به حضار و قدردانی از مواضع ضد امپریالیستی حزب کمونیست بریتانیا و همبستگی پایدار آن با مبارزه مردم ایران و حزب توده ایران در سخنانی به شرایط بسیار بغرنج و خطرناک منطقه به دلیل عملکرد امپریالیسم آمریکا و متحدان آن و همچنین سیاست های نابخردانه، ارتجاعی و سرکوبگرانه دولت های دیکتاتوری حاکم پرداخت. رفیق با تشریح ضرورت توسعه کازار دفاع از صلح و ارتباط تنگاتنگ آن با مبارزه برای دموکراسی و حقوق بشر، نیرو های طرفدار صلح در جهان را به درک تبعات عملکرد نیروهای ارتجاعی که زیر پوشش شعار های پوپولیستی ماهیت ارتجاعی سیاست های خود را پنهان می کنند، فرا خواند. نماینده حزب توده ایران با اعلام اینکه ایالات متحده سیاست مزورانه ای را در قبال پرونده هسته ای ایران اتخاذ کرده است اظهار داشت که بهره برداری از انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز و تحت نظارت آژانس بین المللی انرژی اتمی حق طبیعی مردم ایران می باشد. او مخالفت خود را با هرگونه تهدید نظامی بر ضد کشورمان را تحت هر پوششی و در هر مقیاسی اعلام کرده و اضافه کرد که هرگونه تهاجم نظامی به ایران در هر سطحی و تحت هر بهانه ای بر ضد صلح و مصالح مردم ایران و منطقه خاورمیانه خواهد بود.

رفیق حنا عمیره، نماینده حزب مردم فلسطین، در سخنرانی خود در این گردهمایی اشاره کرد: "در حالی که این ماه اسرائیل ۶۰مین سالگرد تولد خود را جشن می گیرد، مردم فلسطین ۶۰مین سالگرد "فاجعه" از دست دادن کشورشان را به یادبود تنگسسته اند." رهبر حزب مردم فلسطین و عضو هیئت اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین اشاره کرد: "اشغالگران اسرائیلی ۵۰ دهکده فلسطینی را از بین بردند که امکان هیچ گونه بازگشتی برای مردم فلسطینی به سرزمین شان وجود نداشته باشد" او در بخش دیگری از سخنرانی خود با اشاره به سیاست ها و خواست های غیرقابل قبول اسرائیل و متحدان آمریکائی آن اظهار داشت: "یک درسی که ما یاد گرفته ایم اینست که عرابه را به جلوی اسب نیندیم، یعنی که امنیت را پیش شرط صلح قرار ندهیم. اسرائیل از امنیت برای کشتن صلح استفاده می کند. فرق وجود دارد بین امنیت موقت از طریق اعمال قدرت نظامی و اشغال، و امنیت دراز مدت بر پایه صلح، عدالت و حقوق بشر." سخنران بعدی، رفیق "سلام علی"، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، بود که با ارائه تحلیلی همه جانبه از تحولات اخیر عراق، به تصویر دورنمای مبارزاتی مردم و زحمتکشان عراق برای اعاده استقلال و حاکمیت ملی پرداخت. رفیق "سلام علی" شرایط دشوار مبارزه کمونیست های عراقی را در شرایط تلاش نیروهای اسلامی برای کنترل یکپارچه دستگاه دولتی، اشغال امپریالیستی، و تروریسم کور نیروهای ارتجاعی را تشریح کرد و خواهان گسترش همبستگی بین المللی با زحمتکشان و نیروهای مترقی عراقی شد. رفیق عراقی به حیاتی بودن مبارزه کمونیست های عراقی برای سازماندهی و تشکل جنبش اجتماعی و به ویژه کارگران عراق، شکل دهی یک آلترناتیو دموکراتیک، سکولار و عدالت جو، و موفقیت های این مبارزه دشوار تاکید کرد.

سخنران دیگر گردهمایی بین المللی رفیق "آسیلاس آچیلوس"، نماینده کمیته مرکزی آکل، حزب ترقی خواه مردم زحمتکش قبرس، بود که در رابطه با اهمیت و دستاوردهای پیروزی تاریخی دبیرکل آکل در انتخابات ریاست جمهوری این کشور صحبت کرد. او این پیروزی را قدمی بزرگ در مسیر صلح و اعاده وحدت جزیره قبرس دانست و گفت: "جوامع قبرسی های یونانی الاصل و ترک برای چند دهه از هم جدا بوده اند... ما مبارزه ای طولانی در پیش داریم، ولیکن ما به این مبارزه تا به حصول همه اهداف خودمان ادامه می دهیم... ما هیچگاه قبول نخواهیم کرد که در یک جزیره دویاره شده زندگی کنیم. ما می خواهیم که در یک کشور متحد، بدون موانع در جاده ها، بدون بازرس ایستگاه های بازرسی، بدون مرزهای مصنوعی در کنار هم زندگی کنیم."

پس از پایان سخنرانی هاو اختتام گردهمایی بین المللی، به دعوت رفیق "ترسیتو تروگیلو"، نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا در کنگره همه حضار در جشنی در همبستگی با انقلاب کوبا شرکت کردند. از مهمانان جشن با هنرمندی یک گروه موسیقی کوبایی و همچنین صرف "روم"، شراب ویژه کوبا، پذیرائی شد. پنجاهمین کنگره کمونیست های انگلستان پس از سه روز بحث و گفتگوی سازنده با انتخاب ارگان های رهبری حزب کمونیست بریتانیا موفقیت آمیز به کار خود پایان داد. رفیق "اندرو موری"، رهبر جنبش ضد جنگ انگلستان به عضویت کمیته اجرایی، و رفیق

ریشه های بحران گرسنگی؟

بحران غذائی: دلیل اصلی افزایش قیمت های امروزی را باید در برنامه های صندوق بین المللی پول و تورم مالی ناشی از سقوط بازارهای بورس در چند ماه گذشته، جستجو کرد.

حدود ۵۰ تن از سران دولت ها از سراسر جهان، در رم، پایتخت ایتالیا، در مقابل دوربین ها گرد آمدند: توجه زیاد به اجلاس سازمان تغذیه و کشاورزی (فاو) سازمان ملل متحد که اخیراً در رم برگزار شد، بدین دلیل است که این اجلاس در زمانی برگزار می شود که بشریت با وضعیت اسفناکی روبه رو است. بالا رفتن تدریجی قیمت مواد غذائی به وحشت گسترش هر چه بیشتر گرسنگی دامن می زند. تعداد کسانی که در گرسنگی به سر می برند به حد غیر قابل تحملی رسیده است (بنا به تخمین آمار رسمی ۸۵۴ میلیون نفر)؛ شاخص این افزایش به موازات قیمت گندم، برنج و سویا، نمادی صعودی را طی می کند، و بورس بازان فردا در بازار سهام جهانی زیرکانه مراقب آن هستند.

شورش بر ضد گرسنگی از مصر و هائیتی گرفته تا اندونزی گسترش می یابد؛ و سازمان تغذیه و کشاورزی (فاو) سازمان ملل متحد، ۲۸ کشور جهان را جزو کشورهای دانسته که شدیداً زیر ضربه قرار گرفته اند. بیش از دو سوم این کشورها در آفریقا قرار دارند: کارشناسان "فاو" نگران هستند که بحران تغذیه در این کشورها می تواند خشونت را گسترش داده و غیر قابل کنترل کند. ژاک دیوف، مسئول "فاو" روال درونی سازمان ملل را زیر پا گذاشته و اعتراف کرد که او نا امید شده است و خود را عاجز می یابد؛ وی اخیراً گفت که در شرایط کنونی اهداف تعیین شده از طرف سازمان ملل متحد در پایان سال ۲۰۰۰ و آغاز هزاره سوم (در باره مبارزه با فقر و سوء تغذیه) نه طبق برنامه در سال ۲۰۱۵، بلکه در ۱۵۰ سال دیگر "تحقق خواهند یافت."

مسئولیت واقعا با کیست؟ دلایل معمول، مانند تغییرات جوی باعث شیوع خشکسالی شده است، و یا اینکه کمبودهای کنونی ناشی از رشد تمایل "چینی ها" و "هندی ها" به تقلید شیوه تغذیه کشورهای پیشرفته سرمایه داری در غرب است، کسی را قانع نمی کند. کسانی در صدد احیای "تئوری های مائوس" هستند که می گفت سیاره ما نمی تواند در آینده ای نزدیک ۹ میلیارد نفر را تغذیه کند. آنها یک تحلیل دقیق از اوضاع را نمی پذیرند: بیشتر متخصصین معتبر در امور کشاورزی توافق دارند که نیمی از زمین های قابل کشت زمین کشت نشده اند و می توان مواد غذائی بیش از نیاز جمعیت کنونی سیاره تولید کرد.

این تئوری های فریبنده دلایل تشنج بسیار آشکار بین تقاضا و عرضه نا کافی امروزی را توضیح نمی دهند. در واقع این تئوری ها به منظور پرده پوشی علل اصلی بحران غذائی کنونی، مسئله کلیدی بی که باید در سیستم سرمایه داری جهانی دنبال آن بود، مورد استفاده قرار می گیرند.

مسئولیت موسسات مالی

بالا رفتن قیمت ها در نتیجه عرضه ناکافی مواد اولیه غذائی را می توان در تجدید ساختار کشاورزی جهان که در ۲۰ سال



دیر کل حزب کمونیست بریتانیا:

“پرچم ما سرخ خواهد ماند!”

گزارش شرکت هیئت نمایندگی حزب توده ایران در پنجاهمین کنگره حزب کمونیست بریتانیا

*نماینده حزب توده ایران در گردهمایی بین المللی در جریان کنگره “سیاست های نظامی گری امپریالیسم آمریکا و متحدان آن را محکوم کرد” و جنبش کارگری انگلیس را به حمایت از مبارزه اصیل مردم ایران برای صلح و دموکراسی فراخواند.

سوسیال دموکراسی سنتی برای شرایط بهتر کاری برای کارگران و خانواده های آنان، در چهارچوب سرمایه داری، عمل می کرد. “حزب کارگر نوین نماینده امری اساساً متفاوت می باشد. این گرایش تظاهر سیاسی جهانی شدن در جنبش کارگری در فاز جدید امپریالیسم می باشد.”

رهبر حزب کمونیست انگلیس ضرورت سازماندهی مبارزه در خارج از پارلمان برای “متوقف کردن حرکت مشتاقانه حزب کارگر نوین در جهت خصوصی سازی اقتصاد، جنگ و ایجاد یک دولت پلیسی” را مورد تاکید قرار داد. او به ضرورت بنیانی حضور و عملکرد یک حزب کارگری توده ای در انگلستان اشاره کرد. او متذکر شد که چنین حزبی باید “یک حزب توده ای بر پایه مشارکت مستقیم بخش عمده ای از اتحادیه های کارگری باشد.” چنین حزبی می بایست “قابلیت پیروز شدن در انتخابات و تشکیل دولت، و جامعه عمل پوشاندن به سیاست های به نفع طبقه کارگر و اکثریت مطلق مردم را داشته باشد.” او تاکید کرد که حزب کمونیست حتی در شرایط کنونی هم احتمال اینکه بتواند حزب کارگر را به مسیری درست و مدافع حقوق کارگران برگرداند، را منتفی نمی داند، ولیکن مشروط به اینکه جنبش سندیکایی بر پایه اهرم های مالی و سیاسی خود در حزب، به تغییر سیاست و مسیر حزب کمک کند.

رفیق گریفیت به نقش کلیدی حزب کمونیست و سازمان جوانان کمونیست در چنین روندی اشاره کرد. “کمونیست ها بر این اعتقادند که بشریت می تواند خود را از حاکمیت سرمایه برهاند و آن ایده های ارتجاعی، غرض ورزی، تعصب و تبعیض و عملکردی را که مارکس آن را کثافت اعصاب خواند، بیرون ببرد.”

در پایان مباحثات اولین روز کنگره، یک گردهمایی بین المللی با حضور و شرکت تمامی نمایندگان کنگره، مهمانان کنگره، هیئت های نمایندگی احزاب برادر برگزار شد. به پیشنهاد رهبری حزب کمونیست بریتانیا موضوع محوری این گردهمایی که با شرکت نمایندگان حزب توده ایران، حزب مردم فلسطین، حزب کمونیست عراق و اکل قبرس برگزار شد، بحران خاورمیانه بود. این گردهمایی بین المللی با سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران که

پنجاهمین کنگره حزب کمونیست های بریتانیا روزهای ۵ الی ۷ خردادماه در منطقه کرایدون، در شمال شهر لندن برگزار شد. هیئت های نمایندگی از احزاب کمونیست کوبا، شیلی، چین، جمهوری چک، ایرلند، یونان، قبرس، شیلی، بنگلادش، فلسطین، عراق و ایران در کنگره حضور و در بحث و تفحص های آن شرکت داشتند. به دعوت رهبری حزب برادر هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در این کنگره با اهمیت شرکت کرد.

بحث های کنگره عمدتاً متوجه تدقیق سیاست حزب کمونیست و جنبش کارگری این کشور در قبال دولت حزب کارگر و سیاست های نولیبرالی و جنگ طلبانه آن بود. این مسئله به ویژه با روی گرداندن مشخص زحمتکشان از حزب کارگر در جریان انتخابات محلی و انتخابات مهم شهردار لندن در اردیبهشت ماه، و پیروزی حزب محافظه کار ضرورت حادی پیدا کرده بود. بخش عمده ای از سخنرانی دبیر کل حزب در مراسم افتتاحیه کنگره به توضیح تغییرات عمده ای که در دهه اخیر در ماهیت، و سیاست های حاکم بر حزب کارگر انگلیس صورت گرفته است و تدقیق برخورد حزب کمونیست بریتانیا با این حزب اختصاص داشت. حزب کارگر انگلیس در ابتدای قرن بیستم و به مثابه بازوی سیاسی اتحادیه های کارگری انگلیس از سوی جنبش سندیکائی پایه گذاری شده بود و با آن از نظر ساختاری ارتباط تنگاتنگ داشته است. در سال های میانی دهه ۱۹۹۰ میلادی رهبری جدید حزب کارگر برای جلب نظر مساعد سرمایه داری با تغییر برخی فرمولبندی های کلیدی در اساسنامه و برنامه حزب بندهائی نظیر “ضرورت مالکیت اجتماعی بر ابزار تولید” و تغییرات کلیدی در رابطه با نقش ارگان های نظامی - امنیتی و عملکرد بانک ها و نهاد های مالی امپریالیستی را حذف کردند. در ۱۱ سال اخیر دولت های حزب کارگر عملاً در ارتباط تنگاتنگ و برنامه ریزی شده به مثابه نزدیک ترین متحد امپریالیسم آمریکا سیاست های نولیبرالیستی، جنگ افروزی، نظامی گری و خصوصی سازی گسترده را پیش برده اند. دولت انگلستان در عمل نزدیک ترین متحد ایالات متحده در ماجراجویی های آن در خاورمیانه بوده است.

رفیق رابرت گریفیت، دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا، در سخنرانی خود در جلسه افتتاحیه کنگره، به تشریح مواضع کمونیست های انگلستان در رابطه با حزب کارگر پرداخت. او از جمله گفت: کنگره های متوالی حزب کمونیست گرایش مسلط کنونی بر حزب کارگر (موسوم به حزب کارگر نوین) را به مثابه “نمایندگان علنی انحصارهای سرمایه داری در جنبش کارگری” معرفی کرده اند. این گرایش “گسستی ویژه از سوسیال دموکراسی سنتی را نمایندگی می کند.

ادامه در صفحه ۱۱

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس های پستی:
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و “ای-میل”
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 794
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Saturday 5th July 2008

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRANe.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse